

روابط خارجی ایران در دولت مشیرالدوله (۳ بهمن ۱۳۰۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۱)

دکتر فواد پورآرین^۱
حسین احمدی رهبریان^۲

چکیده

پس از کودتای ۱۲۹۹ش. دولت‌های وقت به چند مسأله توجه خاص داشتند: ترمیم روابط با شوروی، برقراری نظم و تمرکزگرایی و ایجاد توازن سیاسی با مداخله‌کشوری ثالث. در این میان، پیگیری قرارداد مودت با دولت شوروی، تعقیب شورشیان فراری، سر و سامان دادن به سفارتخانه‌ها، لغو قانون کاپیتولاسیون و گسترش روابط با دولت آمریکا، از مهمترین برنامه‌های دولت پرنیا بود. دولت مشیرالدوله که حکیم‌الملک را در رأس وزارت امور خارجه گمارده بود، در پیگیری امور پناهندگان سیاسی با دولت شوروی به طور نسبی توفیق یافت و در مسیر لغو قانون کاپیتولاسیون و برقراری نظم و انضباط گام‌های مؤثری برداشت. اما در حل مشکلات مرزی و تجاری با شوروی فرصت نیافت و در ارتباط با دولت آمریکا برای ایجاد توازن و به طور خاص در مسأله نفت توفیق چندانی به دست نیاورد.

• واژگان کلیدی

ایران، کشورها، روابط خارجی، دولت مشیرالدوله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۳

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران

Por721@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

hossein_rohbarian@yahoo.com

مقدمه

پس از جنبش مشروطیت، چنین انتظار می‌رفت که سیاست داخلی و خارجی کشور از استقلال بیشتری برخوردار شود، اما شرایط به گونه‌ای رقم خورد که با قراردادهایی همچون ۱۹۰۷ م. و ۱۹۱۵ م. و جنگ جهانی اول دخالت بیگانگان شدت بیشتری یافت. پس از انقلاب ۱۹۱۷ م. روسیه و پایان جنگ جهانی اول، بسیاری از نیروهای نظامی کشورهای دخیل در جنگ جهانی از ایران خارج شدند. انگلیسی‌ها نیز پس از مدتی ناچار شدند نیروهای نظامی خود را از کشور بیرون برند. در چنین شرایطی، دولت سید ضیاء طباطبایی با اقداماتی چون لغو قرارداد ۱۹۱۹ م.، لغو قانون کاپیتولاسیون، انحلال پلیس جنوب و امضای قرارداد ۱۹۲۱ م. با شوروی گام‌های مؤثری در استقلال سیاست خارجی برداشت. دولت بعدی، دولت قوام نیز برای استقلال کشور در پی کاهش نفوذ روس و انگلیس بود. پس از او، دولت مشیرالدوله پیرنیا بر سر کار آمد که مسئولیت وزارت امور خارجه را به ابراهیم حکیم‌الملک سپرد.^۱ در این مقاله با نگاهی ویژه به روابط ایران و شوروی، موضوعات برجسته مربوط به روابط خارجی ایران در دولت مشیرالدوله مطرح در وزارت امور خارجه بررسی خواهد شد.

مسائل مرزی میان ایران و شوروی

فصل سوم عهدنامه مودت میان ایران و شوروی (۸ اسفند ۱۲۹۹ ش.)، دولت ایران و شوروی را ملزم می‌کرد تا شرایط سرحدی میان ایران و روسیه را مطابق

۱. دولت مشیرالدوله از ۳ بهمن ۱۳۰۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۱ ادامه یافت.

تعیین کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱م. رعایت کنند (نوازی، ۱۳۶۹: ۲۱۲)، اما این فصل از عهدنامه به موقع اجراء نشد و مشکلات کم و بیش تا چند سال ادامه داشت؛ به ویژه که اشرار مرزی هر دو کشور از این موضوع سوء استفاده می کردند و البته قشون روسیه نیز گاه به همین بهانه به مناطق مرزی ایران یورش می برد، یا مأموران سرحدی روسیه از ورود اشرار به ایران جلوگیری نمی کردند (روزنامه اتحاد، ۱۳۰۰: ش ۱۴۶: ۳). مناطق تجن، سرخس، لنکران، بیله سوار، موران، مغان، هریرود، دولت آباد و به طور کلی سرحدات خراسان دستخوش ناآرامی ها بود (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱/۱۱۰) و برای هر دو کشور خسارات جانی و مالی بسیاری را فراهم می کرد. دولت شوروی برای پایان دادن به خسارات مرزی دو کشور، در نامه ای از وزارت امور خارجه ایران خواست تا هیئتی برای مذاکره در باب مسائل مرزی به شوروی اعزام کند.^۱ (وزیر مختار شوروی به وزارت امور خارجه ایران، ۶ حمل ۱۳۰۱). پس از چندی هیئتی به ریاست ممتازالدوله به قفقاز اعزام شد تا معاهده مودت ایران و شوروی که بخشی از آن به مسائل مرزی مربوط بود، به مرحله اجرا در آید. به عنوان نمونه، جزیره آشوراده و فیروزه طبق معاهده باید به ایران تحویل داده می شد و چنین نشده بود و وزارت امور خارجه در این باره به هیئت اعزامی گزارش داد تا به آن رسیدگی شود (روزنامه اتحاد، ۱۳۰۰: شماره ۱۶۹: ۱).

۱. آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۱-۵۴-۴۴-۱۳۰۱ ش.).

روابط تجاری ایران و شوروی

در فصل‌های ۲۰ و ۱۹ و ۱۰ از عهدنامه موّدت میان ایران و شوروی به مسائل تجاری اشاره شده بود و با آنکه اساساً عهدنامه ایران و شوروی بیشتر در باره امور تجاری بود، اما تاجران ایرانی همچنان با مشکلاتی رو به رو بودند. سرانجام دولت تصمیم گرفت هیئتی رسمی به مسکو اعزام دارد تا بدین ترتیب، مسائل و مشکلات را مستقیماً با دولت شوروی حل کند. برای این منظور، نخست سید حسن تقی‌زاده که در آلمان ساکن بود، در نظر گرفته شد. گرچه وی به تهران آمد، اما به جای او میرزا علی عیوضی به این مأموریت رفت و ظاهراً تقی‌زاده در حین مذاکرات به مسکو فرا خوانده شد (بهبودی، ۱۳۸۹: ۸۵/۲).

در بنادر سرحدی ایران، تجارتخانه‌های روسی برای حمل مال‌التجاره ایرانی دشواری‌هایی ایجاد می‌کردند. (روزنامه اتحاد. شماره ۱، ۱۶۲). دولت شوروی از طریق بنگاه‌های سانترسایوز و ونشترک انحصار بازرگانی شهرهای شمالی ایران را در دست داشت و این موضوع اعتراض تاجران ایرانی را برمی‌انگیخت، اما دولت شوروی در پی نامه اعتراضی وزارت امور خارجه ایران، این موضوع بنگاه‌ها را به دولت شوروی مربوط ندانست و دولت جمهوری آذربایجان را به سبب استقلال سیاسی مسئول شناخت. بنابراین، وزارت امور خارجه ناگزیر پاسخ شوروی را به اطلاع ممتازالدوله رئیس هیئت ایرانی در قفقاز رساند^۱ (ابراهیم حکیمی به ممتازالدوله، ۱۲ حمل ۱۳۰۱).

۱. آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱-۶۶-۴۴-۱۳۰۱ ش).

برخی مشکلات از خسارات نیروهای نظامی روس در ایران طی سال‌های جنگ جهانی و پس از آن سرچشمه می‌گرفت. در فصل دهم عهدنامه مودت، دولت شوروی مسئولیت خسارت دولت تزاری را پذیرفته و خود را موظف به جبران کرده بود (نوازی، ۱۳۶۹: ۲۱۵). در پی مذاکرات و مکاتبات وزارت امور خارجه ایران با سفارت شوروی در خصوص دریافت غرامت تاجران ایرانی، وزیر مختار روسیه شوروی در نامه‌ای به حکیم‌الملک وزیر امور خارجه ایران، موضوع خسارت به تاجران را موضوعی عمومی دانست و اینکه دولت شوروی روسیه نمی‌تواند این مسأله را فقط نسبت به تاجران ایرانی حل کند و از آنجا که نسبت به دعاوی تجارخانه‌های روسی نیز اقدامی صورت نگرفته است، دولت شوروی از دولت ایران خواست تا طرفین، خسارات مذکور را "ملغی" تلقی کنند. یکی دیگر از مشکلات تاجران و مسافران ایرانی، وجود چندین مرکز برای اخذ تذکره بود و تاجران ایرانی پس از کنسولگری روسیه در رشت، از حکومت آذربایجان قفقاز و گرجستان نیز باید ویزا دریافت می‌کردند. همچنین در زمینه مسائل گمرگی در دولت پیرنیا شیوه تنظیم واردات و صادرات مال‌التجاره و تأدیه قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان حقوق گمرکی، مطابق قرارداد خاص تجارتي به کمیسیون متشکل از نمایندگان دو طرف واگذار شد (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱/۵۳۷-۵۲۰-۲۱۸). بدین ترتیب، زمینه انعقاد قراردادی تجارتي با توافق بر همه مطالب پدید آمد، مگر در موضوع ترانزیت واردات کالاهای اروپایی از خاک روسیه که با وجود تعهد کتبی سفارت شوروی، دولت شوروی نپذیرفت و با قطع مذاکرات در ۲۸ مرداد ۱۳۰۱ ترانزیت صادرات ایران از خاک روسیه به سرانجام نرسید (گرکانی، ۱۳۲۶: ۱۸۲).

تعقیب شورشیان فراری به شوروی

یکی از مشکلات وزارت امور خارجه مسأله حضور شورشیان فراری در خاک روسیه بود؛ به ویژه ارتباط آنها با بلشویک‌ها، خطر آنها را دو چندان می‌کرد. زبردست خان، جنگلی‌ها، کریم خان بلوچ، سردار نصرت، صمصام نظام، لاهوتی، علی اصغر سرتیپ زاده و سمیتقو از جمله این افراد بودند. در پی توصیه ممتازالدوله رئیس هیئت اعزامی به روسیه مبنی بر تصویب اعتبار مالی لازم برای تأمین مخارج بازگشت فراری‌ها به ایران اقداماتی صورت گرفت تا فراریان با احسان الله خان و بلشویک‌ها ملاقات نکنند و زمینه‌ای برای شورش فراهم نشود. بدین ترتیب، محمد ابراهیم شبستری از جمله فراری‌های ماجرای لاهوتی با موافقت ریاست وزراء و وزارت جنگ به ایران بازگشت (بیات، ۱۳۷۶: ۱۰۴-۱۰۳). وزارت امور خارجه برای استرداد لاهوتی، زبردست خان، کریم خان بلوچ و ژاندارم‌های فراری از خراسان نیز با سفارت شوروی مذاکره کرد. در مذاکرات، خواسته روس‌ها این بود که قبل از تصمیم در باره استرداد لاهوتی، مسأله دانشناک‌ها^۱ مطابق نظر آنها حل شود، اما در باره کریمخان بلوچ و زبردست خان گفتند که آنان دستگیر و زندانی شده‌اند و حاضرند آنان را تسلیم کنند^۲ (گزارش دایره دوم سیاسی وزارت خارجه ایران، ۲۵ دلو ۱۳۰۰)؛ با این همه وزارت امور خارجه در مسأله دانشناک‌های فراری ارمنستان زیر بار نرفت و پاسخ داد: دولت از هیچ نوع مساعدت مضایقه نداشته و از عملیات و تبلیغات دانشناک‌ها جلوگیری کرده است و عدم تسلیم ژاندارم‌ها در افکار عامه

۱. انقلابیون ارمنی که برای استقلال ارمنستان مبارزه می‌کردند.

۲. آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۲۱، ۲۲، ۴۲-۴۵-۱۳۰۱ ش).

موجب سوء اثر خواهد شد و در آینده این قبیل حوادث مخالف مصالح طرفین، اشکالات جدیدی پدید خواهد آورد (بیات، ۱۳۷۶: ۹۷-۹۸).

تحصن در سفارت شوروی

در دوره قاجار تحصن و بست‌نشینی از روش‌های فردی و گروهی در اعتراض به دولت و حکام بود و مکان‌های مقدس، سفارتخانه‌ها و تلگرافخانه‌های متعلق به کشورهای خارجی برای برخی از مردم پناهگاه محسوب می‌شد. بنا بر اسناد موجود، روستاییان، سربازان، ایلات، تاجران، ارمنی‌ها، کارکنان نظمیه، شاهزادگان و روزنامه نگاران به سفارت روس پناهنده می‌شدند؛ اگر چه برخی از پناهندگی‌ها به تحریک خود روس‌ها صورت می‌گرفت.

در دوره وزارت حکیم‌الملک، مخالفان سردار سپه در مجلس، حرم شاه عبدالعظیم (ع) و سفارت شوروی تحصن کردند. در ۱۸ اسفند ۱۳۰۰ فرخی در روزنامه خود مقاله‌ای بی‌پروا در انتقاد از بی‌قانونی سردار سپه نوشت. عصر همان روز دو-سه قزاق مأمور دستگیری او شدند، اما فرخی و چند نفر از دوستانش با اطلاع از این موضوع، بلافاصله در سفارت دولت شوروی تحصن اختیار کردند. پس از آن، حسین خان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران به سبب انتشار مقاله‌ای علیه کودتا دستگیر شد. با پخش این خبر در شهر، گروهی از روزنامه‌نگاران به حرم حضرت عبدالعظیم و سفارت روس پناه بردند (بهنود، ۱۳۸۴: ۴۰) و پس از مدتی، از حرم عبدالعظیم به سفارت روسیه تحصن اختیار کردند و خواستار الغای حکومت نظامی و عزل سردار سپه و اجرای قانون اساسی شدند. سردار سپه در ۲۴ فروردین ۱۳۰۱

تیمورتاش را به سفارت روسیه فرستاد تا با ملایمت، تحصن کنندگان را از تحصن در آورد، اما اصرار تیمورتاش به فرخی و یمین الدوله و دیگران سودی نداشت (مکی، ۱۳۸۰: ۸۰/۲-۷۶). سرانجام سردار سپه ناچار، برای جلب نظر آنها در ۲۷ فروردین به سفارت روسیه رفت و مدتی با فرخی و دیگران مذاکره کرد و قول‌هایی داد. مقرر شد تحصن کنندگان درخواست‌های خود را بنویسند و برای سردار سپه بفرستند. در واقع قصد سردار سپه این بود که تحصن کنندگان از سفارت خارج شوند. به هر حال، میان تحصن کنندگان در سفارت نزاع درگرفت و شیرازه ایشان گسست و شماری از آنها از سفارت خارج شدند (بهار، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۵).

اتباع خارجه در ایران

رسیدگی به وضعیت اتباع خارجه در ایران به هماهنگی میان سه وزارتخانه خارجه، داخله و عدلیه نیاز داشت و امور مربوط به اتباع خارجه در شکل مستشار، کنسولگری و یا تاجر حساسیت ویژه‌ای داشت. با الغاء کاپیتولاسیون، وضعیت اتباع خارجه در مرحله دیگری قرار گرفت. در پی الغای کاپیتولاسیون در خصوص دعاوی اتباع روس، عثمانی و افغان در "محاکم داخله" وزارت داخله به همه حکام دستور داد تا با آنها با حسن سلوک رفتار شود و موجبات احقاق حق آنها در محاکم داخلی کاملاً فراهم آید (روزنامه اتحاد، شماره ۱۳۳، ۲). مسأله دیگر در پیوند با اتباع خارجه، انحلال اداره محاسبات و محاکمات وزارت امور خارجه در ۳۰ فروردین ۱۳۰۰ و سپردن وظایف قضایی به وزارت عدلیه بود و برخی از شکایات به این

مسائل مربوط می‌شد^۱ (یادداشت مفتاح‌الملک به رئیس مجلس شورای ملی، اول اسد ۱۳۰۱).

به نمونه‌هایی از مشکلات دوره وزارت حکیم‌الملک در ارتباط با اتباع خارجه روس و انگلیس به شرح ذیل اشاره می‌شود: در نیمه دوم ماه رجب ۱۳۴۰/اسفند ۱۳۰۰ از سوی سفارت دولت روسیه نامه‌ای با لحن تند در باره "اثاثیه لیانازوف و شیلات" رسید و اعتراض به اینکه چرا دولت ایران لوازم مزبور را پس نمی‌دهد. پس از مذاکرات بسیار، دولت پاسخ داد که دولت ایران پنجاه هزار تومان از لیانازوف طلبکار است و اثاثیه مذکور را از بابت طلب در اختیار دارد. سرانجام سفارت دولت شوروی با پرداخت مبلغ فوق تقاضای تسلیم اثاثیه و لوازمات مزبور را تکرار کرد (مکی، ۱۳۸۰: ۸۲/۲). شکایات رعایای انار از رفسنجان از تعدیات مسیو استیفان تلگرافچی از دیگر نمونه‌های اعتراض به اتباع خارجه است: استیفان تلگرافچی، هشتصد تومان از مردم قرض گرفته بود و بازپرداخت آن را به دریافت حقوق از دولت انگلیس موکول می‌کرد^۲ (عریضه رعایای روستای انار به رئیس مجلس شورای ملی، سوم حمل ۱۳۰۱).

سفارتخانه‌ها

یکی از مشکلات وزیران امور خارجه در این دوره، رسیدگی به اوضاع سفارتخانه‌ها بود. هنگامی که مشارالسلطنه در کابینه قوام‌السلطنه وزیر امور خارجه

۱. آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۲۴-۲۸-۵۸-۴-۱۳۰۱ ش).

۲. همان (۴۶-۲۶-۵۴-۴-۱۳۰۱ ش).

بود، گزارشی دریافت داشت مبنی بر اینکه اعضای سفارت برخلاف ترتیب عمل می‌کنند و موجب شکایات تاجران اسلامبول شده‌اند. وزارت امور خارجه، میرزا جواد خان و ظهیر همایون را مأمور رسیدگی به حقوق ایرانیان در اسلامبول کرده، اما برخی از تاجران نپذیرفتند. زیرا آن دو را لایق رسیدگی به این موضوع نمی‌دانستند^۱ (نامه تبعه ایرانی در عثمانی به رئیس مجلس شورای ملی، ۲۳ جدی ۱۳۰۰). با تغییر کابینه و استقرار حکیم‌الملک در وزارت امور خارجه، مسأله همچنان ادامه داشت و حتی بیشتر شدت گرفت. سرانجام حکیم‌الملک برای پایان دادن به بی‌نظمی‌ها دستور داد که همه اعضای سفارت موقتاً منفصل شوند. سپس منظم السلطنه یکی از اعضای ارشد سفارت را به تهران خواست تا در صورت رفع اتهام، به شغل جدیدی منصوب شود^۲ (یادداشت ابراهیم حکیمی به رئیس مجلس شورای ملی). پس از تعطیلی موقت قونسولگری، مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در اسلامبول، سفارت را تحویل گرفت (روزنامه اتحاد، شماره ۱۶۷، ۱).

از اتفاقات برجسته دیگر، مسأله سفارتخانه بغداد بود. وزارت امور خارجه بر اثر اختلاف مفتاح‌الملک^۳ رئیس کنسولگری بغداد با رئیس تذکره، آصف‌الممالک کارگزار کرمانشاهان را برای تحقیق به بغداد فرستاد و بنا بر گزارش وی، مفتاح‌الملک رئیس کنسولگری با ۲۳ دلیل مقصر شناخته شد. گزارش آصف‌الممالک، مفتاح‌الملک را در آستانه برکناری قرار داد، اما او با نوشتن

۱. آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۶-۴۰-۴-۱۳۰۰ ش).

۲. همان (۶-۲۳-۴۰-۴-۱۳۰۰ ش).

۳. مفتاح‌الملک پیش از مشروطه رئیس تشریفات ولایتعهدی در تبریز بود و بعد از مشروطه در کنسولگری های ایران در شام، بادکوبه، استانبول و جده تا سال ۱۳۳۳ ق. خدمت کرد. او در سال ۱۲۹۹ ش. ژنرال کنسول بغداد شد (موجانی، سید علی، ۱۳۹۱، فرهنگ رجال و کارگزاران دیپلماسی ایران، کتابخانه مجلس، ص ۷۸۳).

تلگراف‌های متعدد به مراکز دیگر قدرت، کوشید گزارش آصف‌الممالک را مخدوش جلوه دهد، گرچه که نتوانست و حکیم‌الملک او را بر کنار کرد^۱ (یادداشت ابراهیم حکیمی به رئیس مجلس شورای ملی، ۱۶ حوت ۱۳۰۰). این مسأله موجب شد تا مجلس شورای ملی، قانونی در سه ماده به تصویب رساند:

ماده اول: مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصلی دولت علیه ایران در ممالک خارجه به استثنای مأمورین افتخاری نباید از ۵ سال تجاوز نماید و در انقضای این مدت مأموریت مجدد آنها به خارجه منوط است لااقل یک سال در ایران توقف کرده باشند.

ماده دوم: کلیه مأمورین دولت ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه مأموریت داشته‌اند مشمول ماده اول خواهند بود.

ماده سوم: وزیر امور خارجه مأمور است که از تاریخ وضع این قانون مفاد دو ماده فوق را نسبت به سفرا و وزراء مختار و مقیم و ژنرال قنصل‌های دولت علیه در ظرف سه ماه و نسبت به سایر مأمورین منتهی در ظرف یک سال به موقع اجرا بگذارد (مشروح صورت مذاکرات مجلس چهارم، جلسه ۸۶، ۸ شعبان ۱۳۴۰).

در باره این سه ماده در دو جلسه در مجلس به طور مفصل بحث شد. گرچه وزیر امور خارجه حکیم‌الملک در این دو جلسه حضور نداشت، اما موافقت و نظرات خود را پیش از آن با کمیسیون وزارت امور خارجه مجلس در میان گذاشته بود. این قانون برای تنبیه شماری از مأموران سیاسی بود که افراد یا نهادهایی از آنها پشتیبانی می‌کردند و حالا مطابق این قانون، وکلاء می‌خواستند از آن دخالت‌ها

۱. آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۲۴-۲۸-۵۸-۴-۱۳۰۱ ش.).

جلوگیری کنند. اقبال السلطان یکی از نمایندگان مجلس پس از تصویب قانون در مجلس اظهار داشت: باید کاری کرد که مأموران دولت نه در داخله تشبث کنند و نه در خارجه. به نظر وی «آن مأمور هم تا یک اندازه محق است که تشبث کند، زیرا شغلش معلوم نیست و اگر شغلش معلوم باشد هیچ وقت تشبث نمی‌کند».^(همان) از دیگر اقدامات وزارت امور خارجه در این زمینه، تعطیلی سفارتخانه‌های ایران در اسپانیا، سوئد، لاهه، بالکان و وین بود که به نظر می‌رسد به سبب کسر بودجه بود (بهبودی، ۱۳۸۹: ۵۰/۲).

نفت

دولت‌های ایران از سال ۱۳۰۰ش. در صدد بودند که مستشاران آمریکایی را به جای مستشاران بریتانیایی و روسی به کار بگمارند و به همین سبب، مذاکره با کمپانی‌های نفتی آمریکایی به ویژه کمپانی استاندارد اوپل آغاز شد. سیاست خارجی ایران از منظر مسأله نفت تحت نظر مستقیم مشیرالدوله رئیس‌الوزراء قرار داشت و حکیم‌الملک وزیر امور خارجه در مذاکرات نفتی دخالت چندانی نمی‌کرد. رئیس‌الوزراء در مذاکرات نفتی با دولت‌های خارجی، بیشتر با حسین علاء وزیر مختار ایران در آمریکا در ارتباط بود. مخالفت‌ها و کارشکنی‌های کمپانی نفت جنوب، شرکت استاندارد اوپل را به این نتیجه رساند که تنها راه مطمئن برای سرمایه‌گذاری در میادین نفت شمال، موافقت با مصالح نفتی انگلیسی‌هاست. بنابراین، دو کمپانی توافق کردند کمپانی جدیدی به نام "شرکت نفت ایران و آمریکا" تشکیل دهند تا منابع نفتی و معدنی پنج ایالت شمالی ایران را به جای امتیاز خوشتریا و فرمان سپهسالار

مبنی بر اکتشاف نفت در بعضی نقاط مازندران استخراج کنند. رئیس‌الوزراء به کاردار سفارت آمریکا در تهران اطلاع داد که دولت ایران مخالف قرارداد با کمپانی استاندارد و نفت جنوب نیست، اما این قرارداد باید در چارچوب مصوبات مجلس باشد: اولاً در دیباچه امتیاز و خود امتیاز، نامی از کمپانی جنوب برده نشود، زیرا مخالف ماده ۵ مصوبه مجلس است؛ ثانیاً مدیریت امتیاز به اتباع انگلیس واگذار نشود؛ ثالثاً در صورت خروج استاندارد اوپل پس از توافق با کمپانی نفت جنوب، امتیاز از درجه اعتبار ساقط شود (اسماعیلی ۱۳۷۹، ۸). سرپرسی لریس در نامه‌ای شخصی و محرمانه برای مشیرالدوله تذکر داد که مجلس در صورت مخالفت با اعطای امتیاز به دو شرکت نفتی استاندارد اوپل و شرکت نفت ایران و انگلیس، توان سنگینی خواهد پرداخت (آبادیان، ۱۳۸۵: ۱۵۱). مشیرالدوله از شرکت انگلیس خواست تا نامی از مشارکت به میان نیاورد و قرارداد با استاندارد اوپل منعقد شود؛ آنگاه شرکت نفت ایران و انگلیس پس از تصویب مجلس در آن مشارکت کند. خواسته دیگر مشیرالدوله این بود که بریتانیا پایگاههای خطوط تلگراف خود را در جنوب ایران به دولت مرکزی واگذارد، اما با مخالفت لریس مواجه شد. در برابر، مشیرالدوله حاضر نشد به فوریت حکومت جدیدالتأسیس عراق را به رسمیت بشناسد و همین چالش یکی از دلایل سقوط زود هنگام دولت وی بود (همان: ۱۶۹). موضوع دیگر، پیشنهاد نماینده کمپانی سینکлер بود که مدعی بود از ضدیت انگلیس‌ها هراسی ندارد و همچنین مبلغ ۵ میلیون دلار به ایران وام می‌دهد و تعهد می‌کند که هیچ کمپانی دیگری را شراکت ندهد، اما دولت ایران از مذاکره رسمی با سینکлер خودداری کرد. بنابراین، مشیرالدوله که نتوانسته بود موافقت استاندارد اوپل را جلب کند، در ۱۵ خرداد ۱۳۰۱ استعفاء داد

(اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۹). گرچه موضوع نفت شمال جدی بود، اما نفت جنوب که تحت سیطره انگلیسی‌ها بود، حساسیت بیشتری برمی‌انگیخت. با اینکه دولت، پلیس جنوب را منحل کرد، اما انگلیسی‌ها همچنان در پی آن بودند تا با انعقاد قراردادهایی با خوانین محلی، نفوذ دولت مرکزی را کاهش دهند. به همین سبب قراردادهای نفتی شرکت نفت جنوب با خوانین از جمله قشقایی‌ها و کشکولی‌ها همواره مورد اعتراض وزیران خارجه ایران بود. به گفته روزنامه نهضت شرق، نمایندگی بریتانیا شخصی را به نام مستر ویلسون به صورت محرمانه به بوشهر و شیراز گسیل کرده بود تا با خوانین کشکولی وارد مذاکره شوند و قراردادهایی برای استخراج نفت منعقد کنند (روزنامه نهضت شرق، سال ۱۳۰۰، شماره ۲۰، ۴).

نتیجه

با کودتای ۱۲۹۹ ش. و بازگشایی دوره چهارم مجلس شورای ملی و خروج نیروهای نظامی انگلیس و روسیه، استقلال و قدرت سیاسی حکومت ایران افزایش یافت. دولت‌های وقت با وجود برخی تفاوت‌ها، در سه بخش ترمیم روابط با شوروی، نظم و تمرکز گرایی، و ایجاد توازن سیاسی با مداخله کشوری ثالث سیاست‌های مشترک داشتند. یکی از مهمترین مسائل وزارت امور خارجه در دولت سید ضیاء طباطبایی، اجرای قرارداد ۱۹۲۱ م. میان ایران و شوروی بود. در واقع مسائل مرزی با موضوعات تجاری پیوند خورده بود و تجارتخانه‌های مربوط با دولت شوروی، بازرگانی شهرهای شمالی ایران را در دست گرفته بودند و در نتیجه فعالیت تاجر ایرانی محدود شده بود. همچنین دولت شوروی به تعهدات خود برای پرداخت خسارات به تجار

ایرانی طی سال‌های جنگ جهانی اول عمل نمی‌کرد و مسأله دیگر به مشکلات مرزی مربوط می‌شد: شورشیان داخلی پس از سرکوب به شوروی پناهنده می‌شدند؛ پیگیری‌های وزارت امور خارجه به ویژه در مسأله تعقیب شورشیان فراری موفق نبود. یکی دیگر از چالش‌های وزارت امور خارجه در این دوره، رسیدگی به وضعیت اتباع خارجی بود که باید میان وزارتخانه‌های خارجه و داخله و عدلیه هماهنگی صورت می‌گرفت. لغو کاپیتولاسیون، وضع اتباع خارجه را در مرحله جدیدی قرار داد و از آن پس قرار شد دعاوی اتباع خارجه به جای وزارت داخله در محاکم عدلیه بررسی شود. همچنین با انحلال اداره محاسبات و محاکمات وزارت امور خارجه، وظایف قضائی این وزارتخانه به وزارت عدلیه سپرده شد. از دیگر مشکلات وزارت امور خارجه، برقراری نظم و ترتیب در نمایندگی‌های ایران بود؛ همچون کنسولگری اسلامبول که نارضایتی تجار ایرانی، سرانجام به تعطیلی موقت سفارت منجر شد، یا نمایندگی در بغداد که اختلاف میان مفتاح‌الملک رئیس کنسولگری بغداد با رئیس تذکره، برکناری رئیس کنسولگری را در پی آورد و حتی مجلس را بر آن داشت که برای جلوگیری از تکرار "تشبث" اعضاء وزارت امور خارجه به مراکز دیگر قدرت، قانونی تصویب کند. یکی از مهم‌ترین سیاست‌های دولت ایران در دوره پیرنیا، جایگزینی مستشاران آمریکایی به جای مستشاران روسی و انگلیس بود که سرانجام با کارشکنی انگلستان، دولت ایران نتوانست با سرمایه داران آمریکایی به توافق برسد.

منابع و مأخذ

اسناد:

آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه:

۱۱-۵۴-۴۴-۱۳۰۱ ش

۱-۶۶-۴۴-۱۳۰۱ ش

۲۱-۲۲-۴۲-۴۵-۱۳۰۱ ش.

آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

دوره ۴، کارتن ۴۰، جزوه دان ۲۳، پرونده ۶.

دوره ۴، کارتن ۵۴، جزوه دان ۲۶.۱، پرونده ۴۶.

دوره ۴، کارتن ۵۸، جزوه دان ۲۸، پرونده ۲۴.

کتاب‌ها:

اسماعیلی، علیرضا و دیگران، ۱۳۷۹، *اسنادی از امتیاز نفت شمال*، تهران: اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهوری.

آبادیان، حسین، ۱۳۸۵، *ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

بهار، محمد تقی، ۱۳۷۱، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.

بهبودی، هدایت الله، ۱۳۸۰، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، جلد دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

بهنود، مسعود، ۱۳۸۴، *از سید ضیاء تا بختیار*، تهران: جاویدان.

بیات، کاوه، ۱۳۷۶، *کودتای لاهوتی*، تهران: شیرازه.

مشروح صورت مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، تهران: چاپخانه مجلس.

فراهانی، محسن، ۱۳۸۵، *روزشمار تاریخ معاصر*، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مکی، حسین، ۱۳۸۰، *تاریخ بیست ساله*، جلد ۲، تهران: علمی.

منشور گرکانی، م.ع، ۱۳۲۶، *سیاست دولت شوروی در ایران از ۱۲۹۶-۱۳۰۶*، تهران: چاپخانه مظفری.

موجانی، سید علی، ۱۳۹۱، *فرهنگ رجال و کارکنان دیپلماسی ایران*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

نوازنی، بهرام، ۱۳۶۹، *عهدنامه مودت ایران و شوروی*، تهران: نشر همرا.

نشریات:

روزنامه اتحاد، ۱۳۰۱ ش، تهران: بوسفور.

روزنامه نهضت شرق، ۱۳۰۰ ش، تهران: شرق.

